

ارلش دومیانس^۱

مهندس
پرویز
بهبودی

پیش گوئی های ارلش دومیانس عجیبتتر و قویتر از «نوستراداموس»^۲، با دقت و صحت تصور به حقیقت پیوسته اند .

ارلش دومیانس در سال ۱۴۸۶ میلادی در شهر میانس متولد شده است پدر او «هرمن گروم»^۳، سلمانانی همان شهر بود . ارلش از کوچکی علاقه زیادی به تحصیل علوم دینی داشت و استعداد بخصوصی در این رشته از خود نشان میداد و روی همین عشق و علاقه بمذهب بود که در ۲۰ سالگی وارد دیر کشیش های گوستن^۴ شد و پس از شش سال تحصیل که توأم با عبادت و تقوا بود بالاخره در سال ۱۵۰۶ رسماً بمقام کشیشی نائل آمد و مدتی در معیت یکی از واعظین معروف زمان خود به اغلب نقاط آلمان سفر کرد. در یکی از این مسافرتها بود که بین ارلش و لوتر^۵ ملاقاتی دست داد و بعضی در مورد مسائل دینی میان آن دو در گرفت که اثر آن تا آخر عمر در قلب ارلش باقی ماند و يك بحران شدید روحی در او بوجود آورد بطوریکه عقیده او نسبت به اصول مذهب کاتولیک عوض شد و تصمیم گرفت راه نجات و حقیقت و رستگاری را فقط در ضمیر و وجدان خود جستجو نماید پس از این ملاقات چه تغییراتی در اخلاق و رفتار ارلش پیدا شد برای ما معلوم نیست ولی آنچه که «پاننادیوس»^۶ تاریخ نویس و شاگرد باوفای او در این باره مینویسد اینست که در سال ۱۵۲۳ در نتیجه انحرافات دینی که در او ظاهر شد پاپ کلمان هفتم^۷ او را مرتد شناخت و این ارتداد چنان ترس و وحشتی در وجود او ایجاد نمود که ارلش مجبور شد زندگی اجتماعی را ترک گفته و برای اینکه کمتر شناخته شود ریش بلندی بگذارد و اسم پدری خود را که «گروم» بود به «میانس» تغییر دهد ولی این تغییرات ظاهری آرامشی در روح او بوجود نیاورد و در چهل سالگی رؤیایا و الهامات گوناگون آسایش و راحتی را از او سلب میکردند بطوریکه خود ارلش در این خصوص مینویسد : « شبی در

- 1- Ulrich de mayence
- 2- Nostradamus
- 3- Hermann Krumm
- 4- Augustin
- 5- Luther
- 6- Penta dius
- 7- Clement

حالی که بخواب فرورفته بودم ناگهان بیدار شدم و در بالین خود سایه را دیدم که در او نجات دهنده نوع بشر یعنی حضرت مسیح را شناختم او بمن گفت من آمده ام تا تو را کمک کنم تا سخنان دیگری بشنوی - سخنان من سخنان آسمانی است و باید تو سخنانیکه از زمین می آید بشنوی زیرا بدون فهم آنها وجود من قابل درک نیست و برای اینست که من برادر خود «لوسیفر» که اسم دیگر او «اینومیرال» است بتم معرفی میکنم سعی کن سخنان او را بشنوی و تمام اسرار زمین را بتوفاش خواهد ساخت زیرا بدون درک آنها درک اسرار آسمانی مقدور نمی باشد. این رؤیا ها در تمام عمر ارلش تجدید میشود و او هم همه آنها را در یک کتاب عجیب «ار بور میرا بلیس» درخت شکفت انگیز - که در چهل و شش جلد ترکیب یافته است جمع آوری نموده است. این کتاب که بعضی از مؤلفین آنرا «تورات جهنمی» نامیده اند از نظر دینی و تنوع مطالب و پیش گوئی ها بزرگترین کتابیست که تا کنون برشته تحریر در آمده است. پانزاد یوس در مورد پیش گوئی های او متقد است که همه آنها بوسیله یک نیروی مافوق طبیعت باو الهام میشده همچنین «دکتر هولز» دانشمند و محقق معاصر که مطالعات عمیق و دامنه داری درباره کتاب ارلش بعمل آورده است مینویسد: «ارلش آنچه را باصراحت و دقت آینده را پیش گوئی کرده است که گوئی از گذشته صحبت میکند»

تصور میرود که شرح پیش گوئی های ارلش که مربوط بوقایع و اتفاقات تاریخی قرون گذشته است برای خوانندگان این مقاله زیاد جالب توجه نباشد ولی بدون تردید دانستن پیش گوئی های او که باوقایع مهم قرن ما ارتباط پیدا میکند و اکثر ماها قسمتی از آنها را دیده و یا در آینده خواهیم دید بدون فائده نباشد. ارلش جنگ بین المللی اول و دوم را پیش گوئی کرده و وقوع یک جنگ جهانی سوم را نیز در سال ۱۹۸۲ خیر داده است. خود او وقایع مهم قرن بیستم را در کتاب «درخت شکفت انگیز» چنین مینویسد: «... فردای امروز اینومیرا بل نزد من بازگشت و مرا به قله کوه بلندی هدایت کرد که معابد بیشمار از دور دیده میشد و تعداد آنها بقدری زیاد بود که سفیدی آنها رنگ آبی افق را در نظر محو میکرد هزاران هزار دختر زیبا سوار هزاران هزار اسب به طرف این معابد بالا میرفتند در حالیکه هر یک از آنها جوان خوشرو و رشید را با خود همراه میبردند. اینومیرا بل بمن گفت اینست یکی از سه رژه های که در قرن بیستم اتفاق خواهد افتاد و این یکی کوچکترین آنهاست که در دهه دوم و در سال چهارم آن پیش خواهد آمد باو گفتم چقدر این رژه باشکوه است آیا این جوانان که ما می بینیم خدایان هستند؟ او بمن جواب داد اینها ارواحی هستند که از تن جدا شده اند و هر یک از آنها بطرف معبد خود در حالیکه بوسیله فرشته هدایت میشوند در حرکت میباشد».

- ۱- Locifer ۲- Innombrable ۳- Arbor Mirabilis
۴- Dr. Holz

۵- ترجمه تحت اللفظی باین شرح است آنها به Walhalla میروند در حالیکه هر یک بوسیله Wal kyrie خود هدایت میشود - Wal halla معابد قهرمانان ژرمنها است Wal kyrie در میتولوژی ژرمنها فرشته بود که از قهرمانانیکه در جنگ کشته میشدند پذیرائی میکردند.

این پیش‌گویی ارلش که مربوط به جنگ بین‌المللی اول است چنان با صراحت و دقت بیان شده است که احتیاج به هیچ‌گونه تعبیر و تفسیر ندارد. دهه دوم و سال چهارم قرن بیستم عبارتست از ۱۹۱۴ که تاریخ وقوع جنگ را ارلش با قلم شاعرانه و با اشاره معتولوژی آلمانی آن بیان کرده است. جنگ بین‌المللی دوم نیز با این ترتیب پیش‌گویی شده است و در مورد جنگ جهانی سوم که هنوز اتفاق نیافتاده است ارلش تاریخ آن را در سال ۱۹۸۲ تعیین نموده است و در این خصوص خود او چنین می‌گوید: «... از دیدن لاشه این اسبهای سیاه که گوشت بدن آنها تکه‌تکه شده بود از مشاهده جسد این سواران که رنگ صورت آنها از شدت عذاب سیاه شده بود اشک از دیدگانم جاری شد در این موقع «اینومبرابل» در بالای کوهی روی صخره بزرگی حیوان عجیبی را بمن نشان داد بدن او شبیه سوسمار و تعداد بیشمارى سر- که هر يك از آنها شبیه سر حیوانی بودند از بدن او خارج میشد- او بمن گفت موقع برگشت به آتش اولی فرا رسیده است شما که از آتش بوجود آمده‌اید بایستی دوباره با آتش برگردید و زندگی را دوباره شروع کنید زیرا شما نتوانستید با هم توافق کنید - خداوند بی‌نظمی دوباره برگشته است- ارلش در سه صفحه بزرگ از کتاب خود جریان جنگ سوم جهانی را با این ترتیب بیان میکند و چند بار از باریدن آتش از آسمان که در جنگ‌های قبلی سابقه نداشته است سخن بمیان می‌آورد و بالاخره اتمام جنگ را که توأم با مصیبت و نکبت عظیمی برای همه خواهد بود پیش‌گویی میکند. در مورد وقایع سال ۱۶۹۵ ارلش چنین نوشته است «اینومبرابل» مرا در مقابل بازی شطرنجی قرارداد و گفت اینست بازی بزرگ دهه ششم و سال پنجم آن (۱۹۶۵) سه پادشاه از دهه اول قرن این بازیرا شروع کردند پادشاه عاج- پادشاه ایتنوس پادشاه- طلا. اولی اگر مواظب خود نباشد در اثر اقدامات دوتای دیگر ضعیف و ناتوان خواهد شد و این بازی بین پادشاه ایتنوس و طلا ادامه پیدا خواهد کرد پس از دو دهه دیگر بالاخره پادشاه طلا به دورقیب خود غلبه کرده و در این بازی آنها را مات خواهد نمود. بعقیده دکتر «هولز» که متخصص در تفسیر نوشته‌های ارلش است بدون شك در جنگ سوم طرفین متخاصم از اسلحه هسته‌استفاده خواهند کرد و باین ترتیب مصیبت بس عظیمی گریبانگیر نوع بشر خواهد شد و ای بسا ممکن است که تمدن فعلی از بین رفته و بشر دوباره بوضع ما قبل تاریخ برگردد خوشبختانه خود ارلش هم راه امیدی در مقابل مسئولین امر گذاشته است و بآنها تذکر داده است که همه این بدبختیها نصیب نوع بشر خواهد شد مگر اینکه انسانها راهنما می‌توانند که از طرف پروردگار خواهد شد قبول بکنند- در مورد سه پادشاه دکتر هولز معتقدات منظور ارلش سه نژاد سفید و سیاه و زرد است و اگر سخنان ارلش را باور بکنیم بایستی انتظار داشته باشیم که در سال جاری مسیحی رقابتها و برخوردهای سیاسی شدیدی بین سه حریف سفید و سیاه و زرد بوقوع بپیوندد.

بنا به پیش‌گویی ارلش «در سال ۱۹۶۷ یکنفر کریستف کلمب تازه پیدا خواهد شد و با کشتی مخصوص خود پا به جزیره خواهد گذاشت که هیچ چیز زنده در آن وجود ندارد حرارت این جزیره بقدری زیاد است که همه چیز را میسوزاند و سرما در آنجا بقدری شدید است که هیچ موجود زنده قدرت مقاومت در مقابل آنرا ندارد. این قهرمان بی‌باك ما در

این جزیره با خوف و وحشت بی سابقه روبرو خواهد شد در این چند سطر بدون تردید ارلش پیاده شدن انسان را در ماه پیش گوئی کرده است بدون اینکه از ملیت قهرمان اسم ببرد.

ارلش از وضع زندگی بشر در قرن بیست و یکم بتفصیل سخن میگوید و اینست شرحی که او در مورد یک شهر قرن آینده که اولاد و احفاد نسل فعلی در آن زندگی خواهند کرد می دهد:

این شهر در کنار رودخانه رن واقع شده عمارت های آن بلندتر از کاتدرال ها و بشکل تخم مرغی و از یک ماده شفاف ساخته شده اند .

ساکنین این شهر همه دارای بالهای بزرگ هستند به هر طرف که میخواهند پرواز میکنند و همه آنها لخت هستند و عادت لباس پوشیدن بکلی در این شهر ترك شده است این جماعت لخت اهمیت زیادی به زیبایی اندام خود میدهند و سعی میکنند به هر ترتیبی که هست اندام خود را بهتر و بدون عیب نگاهدارند . هوای شهر با استفاده از خورشیدهای مصنوعی طوری تنظیم شده است که گوئی بهار دائم در آن شهر حکم فرماست حکومت در این شهر موقتی است و برای حل یک مشکل حکومتی بطور موقت تشکیل و پس از حل مشکل دوباره منحل میشود حداکثر استفاده از منابع طبیعی بعمل میآید و مردم در راحتی، سلامتی و فراوانی بسر میبرند و کار روزانه آنها پیش از یک ساعت نخواهد بود این زندگی بهشتی چند سال دوام خواهد داشت ؟ ارلش دوره آنها را بیش از یک قرن پیش بینی نمیکند بعداً عصر غولها خواهد رسید در این عصر بشر تلاش خواهد کرد که در کارهای خود از خالق بزرگ تقلید نماید و با این ترتیب انسانها تحت نفوذ غولها خواهند افتاد و چون غولها قوی تر از انسانها هستند بالاخره زندگی بشر باخطر نیستی مواجه خواهد شد .

بنا به نظر دکتر هولز مقصود از غولها گردانندگان صنعت اتمی هستند که در واقع تمام اختیارات عصر خود را در دست خواهند داشت و چون آنها دست باجرای کارهایی خواهند زد که از قدرت بشر خارج است این عمل آنها باعث خواهد شد که زندگی بشر باخطر بزرگی روبرو شود.

در خاتمه این مقاله بطور اختصار از نوشته ها و پیش گوئی های ارلش دو میانس چنین نتیجه میگیریم : در سال ۱۹۶۷ اولین فضا نورد که ملیتش معلوم نیست پا به کره ماه خواهد گذاشت در سال ۱۹۸۲ جنگ سوم دنیا را منهدم خواهد نمود این خطر ممکن است با توجه پروردگار عالم برطرف شود و صلح برای مدت نسبتاً زیادی در جهان برقرار گردد در این مدت در اثر ترقیات علوم بشر برای خود دنیای جدیدی که از حیث وسائل زندگی و پیشرفتهای صنعتی قابل مقایسه با جهان کنونی نیست پی ریزی خواهد کرد و در سال ۲۱۲۳ این تمدن به اعلا درجه خواهد رسید سپس در نتیجه پیدایش مسائل و مشکلات عظیم که بشر از حل آنها عاجز خواهد ماند این تمدن در خشان روبه فقرا خواهد گذاشت و بتدریج پایه های آن چنان سست و متزلزل خواهد شد که در سال ۲۵۰۰ خطر نیستی دوباره آن را تهدید خواهد نمود بعقیده ارلش بالاخره در سال ۳۰۰۰ اثری از نوع بشر در روی زمین نخواهد ماند .

حال این سؤال پیش میآید که آیا واقماً همه پیش بینی های این مرد عجیب و بدبین به حقیقت خواهد پیوست ؟ یا نه - البته خود ارلش هم کاملاً ناامید نیست و میگوید که بشر میتواند با توجهات پروردگار عالم (روشنائی های خداوندی) در صورتیکه بتواند آنها را درک کند خود را از این مهلکه نجات دهد .